

گذار از تفکر سنتی در شعر دهه هشتاد

(باتحلیل تقابل‌های دوگانه)

خانم دکترایشانی در ابتدای جلسه ضمن سلام و خوشامدگویی، توضیحاتی در مورد انواع کرسی‌ها، بیان کردند برگزاری کرسی‌های نظریه پردازی، نقد و مناظره مستلزم دستیابی صاحبان کرسی‌ها به استاندارد‌های علمی مصوب هیئت حمایت از کرسی‌های نظریه پردازی، نقد و مناظره است. دستیابی به این استاندارد‌ها خود نیازمند تمرین و تجربه هم از جانب صاحبان کرسی‌ها و هم دستگاه‌های برگزارکننده است. از این رو برگزاری کرسی‌هایی تحت عنوان کرسی‌های ترویجی پیش‌بینی شده است. این کرسی‌ها اگرچه ممکن است از استاندارد‌های لازم برای برگزاری کرسی‌های علمی برخوردار نباشند اما با تبعیت از مقررات تعیین شده توسط کمیته دستگاهی در جهت نهادینه سازی فرهنگ نظریه پردازی، نقد و مناظره علمی و تمرین تجربه صاحبان اندیشه و نظر برای حضور عالمانه و مقتدرانه کرسی‌های علمی. کرسی ترویجی به سه صورت قابل برگزاری است:

۱. مناظره: مناظره، به هر گونه مباحثه رو در رو، روشمند و منطقی میان دو صاحب نظر که به گونه ای نقادانه دیدگاه‌ها و نظرات یک دیگر را در باره موضوعی خاص به چالش میکشند تا در نهایت دیدگاه برتر به نحو مسالمت آمیز تفوق یابد.

۲. کرسی‌های ترویجی مسئله محور: به حداقل پنج مباحثه روشمند و منطقی میان دو یا چند نفر متخصص درباره موضوعی واحد با هدف کسب آگاهی از دیدگاه‌های یکدیگر و تبیین ایده و رفع سوء تفاهات، کرسی‌های گفت و گو اطلاق می شود.

۳. کرسی‌های ترویجی عرضه و نقد ایده‌های علمی: به هر گونه تلاش نوآورانه، روشمند و منطقی ککه هدف از آن ارزیابی و سنجش نقاط ضعف و قوت یک نظریه، نظر، مکتب، بینش، ایده، جریان و... جهت کمک به اصلاح و بهبود آن باشد.

ساختار کرسی ترویجی امروز که در واقع عرضه و نقد ایده علمی است به این صورت است. یک صاحب کرسی و دونفر ناقد که صاحب کرسی موظف است افزون بر پاسخ گویی به انتقادات ناقدین به پرسش‌های حاضران نیز پاسخ گوید و مدیر موظف به مدیریت پرسش و پاسخ حاضران از کرسی است.

کرسی ترویجی امروز با عنوان گذار از تفکر سنتی در شعر دهه هشتاد (باتحلیل تقابل‌های دوگانه) ایده ای است که از سوی خانم دکتر حیاتی مطرح شده است؛ ناقدین این جلسه آقای دکتر باقری از دانشگاه خوارزمی و آقای دکتر صافی از پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی هستند.

خانم دکتر حیاتی ضمن خوشامد به اساتید و حضار بیان کردند که این عنوان در واقع به عنوان کامل یک طرحی که انجام شده نیست، یک طرح پژوهشی یکساله و اندی به عنوان نقد شعر فارسی دهه هشتاد براساس تقابل های دو گانه تقابل های دو گانه انجام شده بود که من بخشی از آن را عنوانش را گذاشته ام « گذر از تفکر سنتی، در شعر فارسی دهه هشتاد با تحلیل تقابل های دو گانه.

مسئله پژوهش: اگر شعر فارسی دهه هشتاد، نماینده جریان های فکری، فرهنگی و هنری جامعه ایران باشد، چه ویژگی بارزی را نشان می دهد؟

فرض پژوهش: جنبه ای قابل توجه از جهان بینی و زیبایی شناسی شعر این دوره از طریق بازشناسی تقابل های دو گانه و نیز بازخوانی رابطه معنایی و نقش زیبایی آفرینانه آن، قابل فهم است.

فرضیه: رابطه تقابل های دو گانه در شعر دهه هشتاد بر نگاه انتقادی شعر این دوره دلالت دارد و آن را از دوره های شعری دیگر متمایز می کند؛ و به ویژه در برابر نگاه کلاسیک قرار می دهد.

موردهای مطالعه در پژوهش

۲۰ مجموعه شعر:

علی آبان افلتی؛ احمد رضا احمدی؛ علی اسدالهی؛ غلامرضا بروسان؛ رزا جمالی؛ ساره دستاران؛ مجید رفعتی؛ علی سهامی؛ شمس لنگرودی (۲)؛ عباس صفاری؛ گروس عبدالملکیان (۲)؛ سارا محمدی اردهالی؛ شهاب مقربین؛ حافظ موسوی؛ احسان مهتدی؛ داریوش معمار؛ پونه ندایی؛ مجید یاری.

معیار انتخاب:

حضور نسل گذشته و نسل جوان؛ حضور دو گروه زنان و مردان؛ حضور دو جهان بینی متقابل (نسبت به گفتمان رسمی)؛ حضور در جشنواره ها و دریافت جایزه ادبی یا جدایی از این جریان؛ ارتباط با ناشر دولتی یا خصوصی؛ و مانند آن.

رویکرد پژوهش:

■ تحلیل تقابل های دو گانه، مبنای نظری خود را از زبان شناسی ساختگرا می گیرد.

- ساختگرایی Structuralism از نظریه‌های معروف فلسفی - زبان‌شناختی است که اوج شکوفایی آن به دهه ۱۹۶۰ باز می‌گردد و مطالعهٔ تقابل‌ها یا جفت‌های متضاد Binary Opposition از اصلی‌ترین سازه‌های آن به شمار می‌آید.
- تقابل‌های دوگانه یکی از مفاهیم کلیدی در حیطهٔ نظریه‌های زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی و نقد ادبی است که در معنای عام به عنوان مبنای تفکر، در نظر گرفته می‌شود و در معنای خاص، مبنای شکل‌گیری معنا در متون کلامی و غیر کلامی است.

ادبیات نظری پژوهش:

- اصطلاح تقابل‌های دوگانه به طور رسمی در نظریه‌های زبان‌شناس ساختگرا، فردینان دو سوسور Ferdinand de Saussure (۱۸۵۷-۱۹۱۳م) ظهور کرد و به‌طور مشخص در کتاب «زبان‌شناسی عمومی» (۱۹۱۵م) مطرح شد. این دریافت زبان‌شناسانه به تدریج نقش میانجی علم را در شاخه‌های مطالعاتی مختلف ایفا کرد؛ از جمله نقد ادبی.
- خلاصهٔ بحث سوسور این است که همهٔ رفتارهای انسان نظام یافته است و به‌همین جهت برای فهم زبان که برآمده از عملکرد ذهن و تفکر است، باید قواعد حاکم بر آن دست یافت. یکی از این قواعد بنیادی، تقابل‌هاست؛ یعنی اولاً هر مفهوم زبانی با مفهوم متقابل آن درک می‌شود؛ چنانکه مفهوم «خیر» در تقابل با مفهوم «شر» درک می‌شود. ثانیاً ذهن انسان برای نظم بخشیدن به امور، مفاهیم متضاد را در سلسله‌مراتب تنظیم می‌کند و تقابل‌های دوگانه به دو قطب منفی و مثبت تقسیم می‌شوند؛ چنانکه «سیاه» در تقابل با «سفید» منفی است و «پایین» در مقابل «بالا» بی‌ارزش است.
- بنابراین برای فهم ادبیات به‌عنوان یک زبان قاعده‌مند باید توجه کرد که بخش قابل توجهی از معنای متن ادبی برپایهٔ تقابل‌های دوگانه خلق می‌شوند.
- از آنجا که ساختار تفکر انسان یک واحد یکپارچه و جهانشمول است، در هر فرهنگ و زبانی، تقابل‌های دوگانه با رابطه‌ای که میان دو قطب منفی و مثبت، ایجاد می‌کنند به جهان معنا می‌بخشند.
- متأخرترین دیدگاه‌ها می‌گویند کشمکش میان جفت‌های متضاد هرگز رفع نمی‌شود و با تغییر شکل بازتولید می‌شود.

اهداف ساختگرایان در تحلیل تقابل‌های دوگانه متن:

به طور خلاصه هدف ساختگرایان این است که براساس تقابل‌های دوگانه به خوانش متن بپردازند و روش آنان در استخراج و تحلیل تقابل‌ها این است که:

- فهرستی از جفت‌های متضاد متن استخراج کنند.
- تقابل‌های مبتنی بر قطب مثبت و منفی را ذیل تقابل عام‌تری دسته‌بندی کنند؛ مانند تقابل‌های زیست‌شناختی (روز و شب- آسمان و زمین- تاریک و روشن)؛ تقابل‌های فرهنگی (بی‌سواد و باسواد)؛ تقابل‌های ایدئولوژیک (نیک و بد- ثواب و عذاب- ایمان و کفر)؛ تقابل‌های فلسفی (اهورا و اهریمن- روح و ماده- معنا و صورت- وحدت و کثرت)؛ و مانند آن.
- با تحلیل تضاد ارزشی دو قطب و دستیابی به برتری یک طرف از تقابل‌ها به بنیاد ایدئولوژیک متن دست یابند.

- باورهای عمومی و ثابتی را که از طریق تقابل‌های متن به مخاطب منتقل می‌شود، نشان دهند.
- قلمرو مطالعه در تحلیل تقابل‌های دو گانه متن:

قلمرو مطالعه و تحلیل تقابل‌ها در متن، می‌تواند همه سطوح خرد و کلان اثر باشد؛ زیرا تقابل‌های دو گانه هم در سطح روساخت متن حضور دارند؛ مانند عناوین، سرفصل‌ها، واژه‌ها، تصویرها، جملات، پیرنگ روایت، شخصیت‌ها، کنش‌ها، گفتگوها، مکان‌ها، زمان‌ها و موقعیت‌ها؛ هم در ژرف ساخت اثر وجود دارند؛ مانند مفاهیم و مضامین (پیری و جوانی- جبر و اختیار- راست و دروغ). البته همه این سطوح باهم رابطه دارند و اصلاً تشخیص روابط بین عناصر، هدف اصلی روش ساختگرایان است که به کشف معنا و تحلیل درونمایه می‌انجامد.

همچنین تقابل‌های می‌توانند در متن هم‌نشین باشند؛ مانند کنارهم آیی واژه‌های متضاد یا جانشین باشند؛ که در این صورت سویه حاضر در متن با قرائن به دست داده شده بر سویه غایب دلالت می‌کند.

تمایز پژوهش نسبت به پیشینه آن:

در مجموع رویکرد تحلیل تقابل‌ها به تحلیل یک متن، منحصر نیست و گاه سبک‌ها، مکتب‌ها، انواع ادبی، یا دوره‌ها هم براساس تقابل‌ها تحلیل می‌شوند؛ برای مثال بنیاد ایدئولوژیک مکتب رمانتیسیسم بر تقابل‌های عقل و احساس یا استدلال و شهود استوار است و بنیاد فکری- فلسفی سوررئالیسم، تلاش برای آشتی دادن تقابل‌هاست؛ زیرا بر این باور تکیه دارد که همه تقابل‌ها ماهیتی صوری دارند و باید وحدت پنهانی آن را به ظهور برسانیم.

بیشتر مطالعاتی که در زبان و ادبیات فارسی انجام شده بر متن متمرکز است؛ مانند:

«خوانش گلستان سعدی براساس نظریه تقابل‌های دو گانه»؛ «بررسی تقابل‌های دو گانه در ساختار حدیقه سنایی»؛ «تقابل‌های دو گانه در شعر احمد رضا احمدی»؛ «بوسه بر روی خداوند (بررسی تقابل‌های دو گانه در رمان روی ماه

خداوند را ببوس»؛ «سبک‌شناسی حکایت شیخ صنعان از دیدگاه تقابل نشانه‌ها»؛ «غزل حافظ: عرصه تقابل دو گفتمان»؛ «بررسی نشانه‌شناختی عناصر متقابل در تصویرپردازی اشعار مولانا».

نمونه تحلیل تقابل‌ها در شعر کلاسیک

اشعار مولوی ۱

چه ماند صورتی کز خود تراشی بدانشاهی که حوری زاد باشد

بیلبی زین جا برفت و باز گشت بهر صید این معانی باز گشت

خورشید گوید سنگ را زان تافتم بر سنگ تو
تا تو ز سنگی وارهی پا در نهی در گوهری

بہشتہ حس نفس خس نزدیک کاسہ چون مگس گر کاسہ نگزیدی مگس در حین مگس عنقاستی

گام بعد این است که رابطه میان مفاهیم متقابل و هم‌نشین بازخوانی شود:

عناصر تصویری متقابل

شوره مزرعه

جغد بلبل

بت دست ساز شاه حوری زاد

معنای عام تقابل ها

مجاز حقیقت

باطل حق

نتیجه: دو سویه مثبت و منفی

عناصر تصویری متقابل

بیلبل باز

خون شیر

سنگ گوهر

مگس عنقا

عنای عام تقابل ها

بدایت نهایت

نتیجه: سویه منفی می تواند به سویه مثبت تبدیل شود (رفع تقابل)

تحلیل تقابل ها در شعر فارسی دهه هشتاد:

از بازخوانی ۲۰ مجموعه شعر ۳۲۰ فیش با موضوع تقابل های هم نشین یادداشت شد و نتیجه اینکه:

می توان رابطه های تقابلی را میان دو گانه های هم نشین در شعر دهه هشتاد در دسته بندی شش گانه زیر خلاصه کرد، که به ترتیب نقش آفرینی عبارتند از:

۱. رفع تقابل (بیشتر با تأکید بر سویه منفی پنهان در آن)

۲. حفظ تقابل (با تأکید بر سویه منفی)

۳. زیبایی آفرینی با تقابل ها (تصویر پردازی- زبانگرایی)

۴. همسویی با تقابل های کلاسیک (بیشتر در قلمرو عاشقانه ها)

۵. خلق تقابل های جدید یا ارائه تفسیری متفاوت از تقابل های رایج

۶. ابراز تردید و بلا تکلیفی نسبت به ماهیت تقابل ها

۱. رفع تقابل (بیشتر با تأکید بر سویه منفی پنهان در آن) :

دستاران. ساره	کلبه جنگلی- ویلای ساحلی- دوبلکس آبی / آپارتمان چندمتری	کلبه ای جنگلی / ویلایی ساحلی / دوبلکسی آبی / یا آپارتمانی چهل و چندمتری / چه فرق می کند /
---------------	---	---

		تنهاییات را کجا بگذرانی؟
	بالا رفتن از پله‌ها / پایین آمدن از پله‌ها	هر روز / همان پله‌هایی را بالا می‌رویم / که از آن‌ها پایین آمده بودیم
رفعتی. مجید	خوب / بد	نه خیلی خوب وجود دارد / و نه خیلی بد / همه چیز عادی است / مثل کثافت
	عزا / عروسی گل / گوسفند	فرق نمی‌کند / گل‌ها هم مثل گوسفندان / قربانی عزا و عروسی‌اند
	جهنم / بهشت	دوست داشتن / فرو افتادن در جهنمی است / با گل‌های بهشتی
صفاری. عباس	تخته‌سنگ / بالشت ابری بیمارستان / دامن گلدار همسر	روزها در پیش پایت / باد هوا بودند / که به هرچه بادآباد / شوتشان می‌کردی / می‌دانستی اجل در راه / و سر را هرچه پر باد / بی‌هیچ سماجی باید فرو گذاشت / حالا بر تخته‌سنگ / بالشت ابری بیمارستان / یا دامن گلدار همسرت فرقی نمی‌کرد / [...] از آن روزهای بادآباد / به آدرس سابقه تک و توک / هنوز نامه می‌رسد

به خانه باز گردم / باید برای این زن بی قرار / که گوشی به دست در باجه تلفن گریه می کند / شعری بنویسم / می توانم از فلاش بک استفاده کنم / زن را و باجه را یکر است / برگردانم کنار آب های نازک دل آفرینش / و بیاشویم با این زجه آشنا / [...] از فلاش فوروارد هم / می توانم استفاده کنم / موبایل کوچکی به دستش بدهم / و بنشانمش / پشت فرمان ماشینی پارک شده در باران / تهرچه دلش خواست زار بزند	زن، گوشی به دست در باجه تلفن / زن، موبایل به دست پشت فرمان اتومبیل	
[...] پدرم بدخلق که می شد / صاف و پوست کنده / می رفت شمس العماره / و یک بلیط رفسنجان می خرید / من اما / راه دوری نمی روم / خیابان های این زمستان / همه سر و ته یک کرباسند / دست جاده ها را هم خوانده ام / همه بی بازگشتند و / به غبار ختم می شوند / مثل تمام مدال های افتخار / که به ویتترین سمساری ها [...] /	رفتن / ماندن	

عبدالملکیان گروس	دود سیگار/ دود خانه‌های خرمشهر	[...]دود، فقط نام‌های مختلفی دارد/ و گرنه سیگار من و خانه‌های خرمشهر/ هر دو به آسمان رفتند (۴۵-۴۷)
عبدالملکیان گروس	روز/ شب	[...]هر کجای روز که بنشینم/ شب است
	قنداق/ کفن	این خط زرد/ دیگر به خورشید نمی‌رسد/ می‌توانی سفید شوی:/ قنداق کودکی در لابه‌لای خنده‌ها/ یا پارچه‌ای که مرگ را در آن پیچیده‌ایم/ چند ایستگاه فاصله چیزی نیست/ جاده‌ها به جایی نمی‌روند[...]
محمدی اردهالی. سارا	ماهی پرورشی/ ماهی آزاد	ماهی‌های پرورشی/ با تکثیری مصنوعی/ در حوضچه‌ها/ به دنیا می‌آیند/ دستگاه‌ها به استخرهای کوچک‌شان/ اکسیژن تزریق می‌کنند/ فربه می‌شوند/ در بسته‌هایی با تاریخ مصرف/ به هنگام/ می‌برندشان بازار/ ماهی‌های آزاد/ در وحشت کوسه‌ها/ خلاف جریان آب/ شنا می‌کنند/ عاشق می‌شوند/ جفت‌گیری می‌کنند/

		و بسیاری‌شان / هیچ گاه / به آب‌های آزاد نمی‌رسند (۵۲-۵۳۹)
موسوی. حافظ	جهنم / بهشت	بیا از این جهنم فرار کنیم / اندازه همین یکی دوسطر فرصت داریم / از تیررس نگاه این فرشته‌ها که دور شویم / بهشت که نه / نیمکتی را به تو نشان خواهم داد / که مثل یک گناه تازه / وسوسه‌انگیز است

آقای دکتر باقری ضمن تبریک به خانم دکتر حیاتی و پژوهشگاه برای پرداختن به چنین موضوعاتی عنوان کردند که خود من هم به نوعی چون با شعر امروز آشنا هستم و با بسیاری از این دوستان ارتباط دارم و آثارشان را می‌خوانم و بسیار علاقه‌مندم به این موضوع اما نکاتی هست که برای من مبهم باقی مانده و به آنها اشاره می‌کنم یکی اینکه آیا شما اوضاع سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دهه هشتاد را بررسی کرده‌اید یا نه؟ دلیل اینکه این دهه را انتخاب کرده‌اید چه بود؟ چه تفاوت عمده‌ای با دهه هفتاد داشته؟ آن چه دهه هشتاد را برجسته کرده چیست و ملاک‌ها و معیارهای شما چه بوده است؟ ثانیاً ملاک انتخاب این شاعران چیست و آیا این تعداد شاعر می‌توانند نماینده دهه شعر معاصر باشند. گاهی دانشجو داستان‌هایی انتخاب می‌کند که جایزه جلال آل احمد گرفته یا جایزه‌ای مطرح ادبیات داستان را گرفته‌اند. شما احتمالاً شاعرانی را که در جشنواره فجر سایر جشنواره‌ها جایزه داشتند انتخاب کرده‌اید به هر حال ملاک شما مشخص نیست. نمی‌شود این شاعرانی که انتخاب کرده‌اید در یک بسته بندی قرارداد درست است که هر دو از یک نسل‌اند ولی بعضی‌ها هویت و جایگاه ویژه‌ای دارند ولی برخی هویت شکل گرفته‌ای ندارند. خود من که با شاعران این دوره آشنا نیستم برخی از این اسامی را نمی‌شناختم.

ثالثاً در کار شما جریان شناسی هم صورت گرفته یا خیر؟ یعنی اگر من بخواهم یک چهره از کار شما بدهم و بخواهم پازل‌های پراکنده از کار شما را کنار هم بگذارم باید جریان شناسی صورت گرفته باشد (دولتی، مذهبی، سیاسی، دگر اندیش، پوچ گرایانه و ...) در این صورت می‌توانم درون جریان‌ها عنصر تقابل‌های دو گانه را بررسی کنم.

از طرفی به نظر می‌رسد شما در کارتان برش عرضی (مقطعی) ایجاد کرده‌اید و آن را مثل یک زیست‌شناس زیر میکروسکوپ برده و بررسی کرده‌اید؛ یعنی شما دهه هشتاد را به صورت مستقل کار کرده‌اید. آیا ممکن است دهه هشتاد ادامه منطقی دهه ۶۰ و ۷۰ باشد؟ ارتباط این دهه‌ها چیست؟ آیا حرف تازه‌ای زده شده است؟ با توجه به اینکه بسیاری از سطرهای نانوشته شاعران در محور جانشینی خودش را نشان می‌دهد، آیا چون فرصت کم بوده به محور جانشینی پرداخته‌اید؟ یا دلیل دیگری داشته‌اید؟ آنچه در شعر جوان ما دیده می‌شود فقدان اندیشه است، فقدان فلسفه است، فقدان تفکر سیستماتیک و روشن است. آیا شما اشاره کرده‌اید که با توجه به اینکه شالوده اصلی ما در هر شعری، تفکر است؛ در این دوره این تفکر سطحی است یا عمیق است؟ آیا شعری این دوره فلسفه مدار هستند؟ شک گرا هستند؟ عرفان گرا هستند؟ اصل خلوتند؟ اصل جلوتند؟ اجتماعی هستند؟ درون گرا هستند؟ آیا شعری مثل قیصر امین‌پور را هم آورده‌اید؟ در کل کار شما را ستایش می‌کنم و ارزشمند می‌دانم و اگر این کار منتشر شود جامعه ادبی ما می‌تواند از این پژوهش بهره‌برد.

خانم دکتر حیاتی در پاسخ بیان کردند ضمن سپاس از شما در مورد اینکه اوضاع سیاسی - فرهنگی دهه ۸۰ را باید بررسی می‌کردیم باید بگویم ما می‌توانیم از نتایج این کار برای تحلیل می‌توانیم استفاده کنیم (با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی؛ یا رویکردهای دیگری ...) من تلاش می‌کردم تنها توصیف ساخت گرایانه ارائه دهم و ورودی به تحلیل نداشته‌ام.

اما در ملاک انتخاب شاعران باید بگویم معنا محور کار کرده‌ام نه بر اساس ادبیات محض بیشتر شاعران کمتر مطرح در این طرح آورده شده است. چون شاعرانی مثل قیصر امین‌پور در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ و ۸۰ چرخش‌هایی داشته‌اند و شعرهایشان در دهه ۶۰ با دهه ۸۰ تفاوت دارد البته من مجدداً به آنها خواهم پرداخت ولی می‌دانم در نتایج کارم تأثیری نخواهد داشت. اما اینکه فرمودید تفکر منسجمی وجود دارد یا خیر باید بگویم شعر دهه ۸۰ هنوز کلاسه نشده است و کارهایی منسجم انجام نشده است. خیلی از کارها در سایت‌ها و وبلاگ‌ها هست. (۱۱ / ۱۸)

اما نظر من در اینجا این است که برخی این تقابل را برخی نسبت می‌دهند به بدینی ولی من اینطور فکر نمی‌کنم برعکس یک واقع‌گرایی است که جای آرمان‌گرایی را گرفته است. ۱۸ / ۴۴ که قطعاً یک کمی تلخ به نظر می‌آید. البته این خوانش من است و من تصور می‌کنم این یک نوع پختگی اندیشه است به نظر من خرد جمعی کمی بالغ‌تر شده است. در مورد محور جانشینی باید بگویم که در بیشتر متون، محور جانشینی بیشتر جواب می‌دهد اما در این شعر، تقریباً بسنده است و به نظر من محور همنشینی اشتباه است اگر گفته شود؛ در این دهه که من تورق می‌کرد که کمتر حضور تقابل‌ها را می‌بینیم شاید چون خیلی نو است دو عنصر متقابل کنار هم می‌نشینند در متن.

در مورد ارتباط با دهه‌های قبل باید بگوییم که در بخش اول تحقیق، نقدهایی که در مورد شعرهای دهه‌های قبل آمده در آنجا خودش را نشان داده ولی در تحلیل‌های بعدی خیر؛ بعد مستندات را باید بیاورم از شعرهای دهه‌های ۶۰ و ۷۰ و فرصت آن نبوده است. ۲۱/۰

آقای دکتر صافی چنین بیان کردند که بخشی از مسئله من با پژوهش شما در مورد چارچوب نظری تان است. اگر بتوانیم مقاله را به دو بخش تقسیم کنیم، بیش از نصف آن مربوط می‌شود به پیشینه نظری، که بسیار جامع بود و برای من آموزنده بود؛ بخش بعد مربوط می‌شود به تحلیل‌ها. در بخش مرور پیشینه، صفحه ۵ نوشته شده: هدف ساختار گرایان این است که براساس تقابل‌های دوگانه به تحلیل متن بپردازند و روش آنها در استخراج و تحلیلی تقابل‌ها این است:

(۱) فهرست کردن تقابل‌ها

(۲) دسته‌بندی کردن آنها

(۳) ارزش‌گذاری آنها

(۴) نشان دادن‌شان

در همین قسمت هدف تحقیق منعکس شده، یعنی اگر شما می‌خواستید ساختارگرا باشد، باید تحلیل تقابل‌ها دو گانه باشد به منظور خوانش متن و پیدا کردن جهان بینی‌اش از طرفی در دستاوردهایتان گفته‌اید:

«این دوره را که من مطالعه کرده‌ام تفاوت جهان بینی این دوره را با دوره کلاسیک پیدا کردم» سؤال این است اگر این روش شماسست و در این ۴ مرحله حرکت کرده‌اید؛ قسمتی از کارتان از ساختارگرایی بیرون می‌ماند یعنی آن دوتای دوم یعنی ارزش‌گذاری ایدئولوژیک متن می‌تواند به سود پیدا کردن یکی از طرفین تقابل باشد در حالی که ساختارگرایی اصلاً به دنبال یک چنین چیزی نیست. این ۴ مرحله را اگر روش‌شناسی شما در نظر بگیرید، برای یک مقاله بلند پروازانه است و در حد یک مقاله نمی‌گنجد. به نظر من چارچوب نظری ساختارگرایی، تعاریفی دارد که این روش‌شناسی فقط بخشی از آن با آن هماهنگ است. اینکه یک ساختارگرا هرگز به دنبال جهان‌بینی و ایدئولوژی و پیدا کردن سویه‌های پنهان در تقابل نیست؛ ساختارگرا تنها بر روی حضور تقابل‌ها در اندیشه انسان و نقش بنیادین این تقابل‌ها تأکید می‌کند.

(پدر ساختارگرایی) نمی‌گوید که تقابل‌ها فقط تقابل‌های دوسویه‌اند و متضاد؛ (مثبت و منفی) در واقع می‌گوید اندیشه سازان در نظامی از تقابل‌های هم‌زمان است. ساختارگرا بر ساختار تأکید دارد. ساختارهایی که سلبی‌اند. نظامی که حاکم بر اندیشه انسان است. یک نظامی از تباین‌هاست. تباین‌هایی که دوگانه نیستند بلکه بسیار وسیع‌اند.

به این ترتیب توجه کنید به جز هدف، من معترض به توصیفی هستم که از ساختارگرایی ارائه شده است. و روش شناسی که به ساختارگرایی نمی‌خورد. اما آنچه در عمل در مورد تحلیل‌ها اتفاق افتاده باید بگویم شما در عمل کار را محدود کرده‌اید به مرحله اول این روش یعنی پیدا کردن و فهرست کردن تقابل‌های صریح و آنچه در متن دیده می‌شود که به نظر من می‌توانست خیلی کامل‌تر از این انجام شود. شما مواردی را به عنوان تقابل دوگانه مطرح کرده‌اید که اصلاً تقابل نداشتند (نه در داخل متن و نه در خارج متن) در مواردی در متن تقابل‌هایی بودند که اصلاً فهرست نشده‌اند. آنها که فهرست نشدند جمع اعداد بودند مثلاً ما ترکیب‌هایی داشتیم که جمع آنها به هم نمی‌خورند مثل جهنم یخ زده

همچنین ساختار شرطی خلاف واقع در متن وجود دارد مثل مجنون اگر گرسنه بود لیلی را هم می‌خورد یعنی تقابل بین آنچه واقعیت دارد و آنچه می‌توانست باشد (امکان یک واقعیت را) این جور ساخت‌ها فی نفسه چنین تقابل را در ذات خودشان دارند (ساخت‌های خلاف واقع) مجنون اگر گرسنه بود یعنی مجنون گرسنه نیست؛ لیلی را هم می‌خورد یعنی لیلی را نخورده. این تقابل هم نشین است.

اگر تاج و تخت رنگی داشت پیشم یعنی تاج و تخت رنگی پیشم ندارد؛ وجه تمنايي است. اینهایی که شما به کار بردید تقابل‌های صریح بوده است و محدود شده‌اید به واژگان و تقابل‌های دوتایی در حالی که تقابل‌های بیش از دوتا می‌توان پیدا کرد.

خانم دکتر حیاتی در پاسخ اشاره کردند که من تقابل‌های غیر تضاد را آورده‌ام ولی این را نمی‌دانستم که تقابل‌های همزمان را هم می‌آوردم در کنار تقابل‌های متضاد و باید عناوین را تصحیح کنم.

در مورد روش باید بگویم اگر بخواهم تحلیل را حفظ کنم (چون روی آن مصرّم) باید از چه رویکردی استفاده کنم؟

آقای دکتر صافی اشاره کردند که آنچه که شما انجام داده‌اید نوعی مطالعه در زمانی است که سیر تطورشان از ابدیات کلاسیک تا دهه ۸۰ بتوانید با مقایسه این دو مقطع نشان دهید. این روش صحیح است و بهتر است سر جایش بماند. اگر شما به جهان‌بینی‌ها اشاره کنید ناگزیر استفاده از روش تحلیلی انتقادی گفتمان هستید. شما فرض گرفته‌اید که باید یک تفاوتی اتفاق افتاده باشد از شعر کلاسیک تا شعر دهه ۸۰.